



The Capacity of Exegetical Narrations in Resolving Difficulties in the Translation of the Holy Qur'an: A Case Study of the Verse ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾

Seyyed Hossein Fallahzadeh Abarquoui ¹
Mohammad Hadi Meqdadi Davoudi ²

Abstract

There exist significant interpretive disagreements among exegetes regarding verses that contain complex theological concepts and linguistically challenging terms. Given the prerequisite role of tafsīr in understanding such verses, Qur'anic translations often exhibit considerable variety and, at times, even inconsistency. Analyzing the exegetical foundations behind these translations can illuminate proper renderings and expose faulty interpretive presuppositions. This study adopts the interpretive perspective of the Ahl al-Bayt as a benchmark for evaluating the accuracy of translations of complex Qur'anic expressions. By focusing on the verse “al-Rahmān ‘alā al-‘Arsh istawā” (Qur'an 20:5), the paper examines how narrations rooted in tafsīr can resolve translation ambiguities surrounding the terms ‘Arsh (Throne) and Istawā (seated Himself firmly upon the Throne). The findings suggest that, based on interpretive narrations, one may derive at least twenty theologically sound and contextually meaningful Persian translations of the verse many of which have been overlooked by contemporary translators. Examples include: “The All-Merciful, in supreme awareness, maintains equal relation to all things”; “The All-Merciful encompassed the totality of creation, both vast and minute”; and “The All-Merciful assumed command over the dispositions and states of all beings after their creation.”

Keywords: Tafsīr Traditions; Arsh (the throne); Istawā; Challenges in Qur'anic Translation; Persian Translations of the Qur'an.

Citation: Fallahzadeh Abarquoui, S.H., Meqdadi Davoudi, M.H. (2026). “The Capacity of Exegetical Narrations in Resolving Difficulties in the Translation of the Holy Qur'an: A Case Study of the Verse ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾”. *Hadith-based Qur'anic Research*, 2 (1), 23-46. (In Persian)

* Received: 2025/05/15, Revised: 2025/06/27, Accepted: 2025/07/12.

1. PhD in Qur'anic and Hadith Studies, University of Kashan, Kashan, Iran. Corresponding Author, Email: Fallahzadeh.h@gmail.com.

2. Researcher at A'immat al-Ar'har Seminary, Affiliated with the Qom Islamic Seminary, Qom, Iran. Email: Mh.meghdadi1383@gmail.com.



ظرفیت روایات تفسیری برای حل دشواری‌های ترجمه قرآن کریم بررسی موردی: ترجمه آیه (الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى)

سیدحسین فلاح زاده ابرقویی^۱

محمدهادی مقدادی داودی^۲

چکیده

در فهم مراد از آیات حاوی مفاهیم پیچیده و واژگان دشوارفهم، اختلاف‌های جدی بین مفسران وجود دارد. به دلیل نقش پیش‌نیازی تفسیر برای ترجمه این آیات، ترجمه‌های متنوع و گاه ناسازگار با یکدیگر، در کارنامه مترجمان وجود دارد. واکاوی پشتوانه تفسیری ترجمه‌ها، راهکاری برای پی بردن به ترجمان مناسب از آیات و شناخت پیش فرض‌های نادرست در امر ترجمه است. برای این منظور، در نوشتار حاضر، دیدگاه تفسیری اهل بیت (علیهم‌السلام)، سنجه شناسایی ترجمه‌های درست از مفاهیم پیچیده قرآن قرار گرفته است. تلاش حاضر برای نشان دادن نقش روایات تفسیری، برای حل دشواری‌های ترجمه مفاهیم پیچیده، واژه‌های «عرش» و «استوی» را در آیه پنجم سوره طه بررسی کرده و ظرفیت‌های ترجمه این آیه بر اساس روایات تفسیری را واکاوی نموده است. بر اساس این پژوهش، می‌توان حداقل بیست ترجمه مورد قبول، متنوع و نو، برای آیه (الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى)، با استناد به روایات تفسیری ارائه نمود که کمتر مورد توجه مترجمان فارسی قرآن قرار گرفته‌اند؛ نظیر: «خدای رحمان در اوج آگاهی، نسبتش به هر چیزی مساوی است»، «خدای رحمان بر خرد و کلان موجودات احاطه یافت»، «خدای رحمان، تدبیر ویژگی‌ها و حالات اشیاء را پس از ایجاد آن‌ها در دست گرفت».

واژگان کلیدی: روایات تفسیری، عرش، استوی، چالش‌های ترجمه قرآن، ترجمه فارسی قرآن.

استاد: فلاح زاده ابرقویی، سیدحسین؛ مقدادی داودی، محمدهادی (۱۴۰۵). «ظرفیت روایات تفسیری برای حل دشواری‌های ترجمه قرآن کریم بررسی موردی: ترجمه آیه (الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى)». قرآن‌پژوهی‌روایی، ۲ (۱)، ۲۳-۴۶.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱.

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: Fallahzadeh.h@gmail.com.

۲. پژوهشگر مدرسه علمیه ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، حوزه علمیه قم، ایران. رایانامه: Mh.meghdadi1383@gmail.com.



۱- بیان مسئله

برگردان آیات قرآن کریم به زبان فارسی، ضرورتی است که اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست. در عین حال، پرداختن به این امر سترگ، از جهات مختلف با دشواری‌هایی همراه است که در برخی موارد به دلیل اقتضائات ویژه کلام وحی، نقصان‌های غیر قابل جبران در ترجمه ظاهر می‌شود؛ هر چند در مواردی نیز، کوشش مترجم در ارائه ترجمان نزدیک به زبان قرآن، به نتایج مطلوب منجر می‌شود. در هر صورت، باید پذیرفت که ترجمه قرآن به هر زبانی، با چالش‌ها و دشواری‌هایی همراه است که در ترجمه سایر متون، کمتر با آن‌ها مواجه می‌شویم. بر آشنایان فن ترجمه پوشیده نیست که عامل اختلاف‌های اساسی، میان ترجمه‌های فارسی از یک آیه قرآن، چالش‌هایی نظیر انعکاس بلاغت موجود در آیات، بازتاب فضای فرهنگی آیات، بیان مفاهیم معنوی و غیر مادی و ... است.

از جمله اموری که عملیات ترجمه را با دشواری مواجه می‌سازد، ترجمه آیات حاوی مفاهیم و واژگان پیچیده است که در تبیین مراد آن‌ها دیدگاه‌های گوناگونی از سوی مفسران و واژه‌شناسان مطرح شده است. با توجه به اینکه در این موارد، مترجمان، ناگزیر از برگزیدن یک دیدگاه تفسیری و ارائه ترجمه بر اساس آن هستند، ترجمه‌های مختلفی از یک آیه ارائه می‌شود که لزوماً نمی‌توان همگی را درست دانست. تفاوت در ترجمه این نوع آیات، به‌طور خاص، درباره آیاتی مشاهده می‌شود که پیرامون آن‌ها، افکار و آراء کلامی ناسازگار با یکدیگر از سوی متفکران و صاحبان مذاهب کلامی ارائه شده است. این مطلب، ضرورت در نظر داشتن معیاری برای سنجش ارزش ترجمه و میزان صحت آن را روشن می‌سازد. لازم است مترجم برای ترجمه این آیات، سنجه‌ای در نظر گیرد تا نسبت به درستی ترجمه و نزدیکی آن به مراد الهی اطمینان حاصل کند. برای این منظور می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت موجود در روایات تفسیری و واکاوی دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام پیرامون این آیات، ضمن رسیدن به آرامش نسبت به مراد الهی از آیه، گونه‌هایی نو، از ترجمه ارائه نمود. به بیان دیگر، مترجم می‌تواند ترجمه خود را از این آیات، مبتنی بر تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام ارائه کند یا از میان آراء مفسران، دیدگاهی را مبنای ترجمه قرار دهد که با تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام ناسازگار نباشد.

از جمله واژگان قرآنی چالش‌انگیز و دشوارفهم، واژه «عرش» است که بیان حقیقت معنای آن، معرکه آراء مفسران است. این واژه، ۲۲ مرتبه در قرآن به کار رفته که در هفت مورد به همراه واژه «استوی»، یکی از اوصاف خداوند را بیان نموده است. از جمله در آیه پنجم سوره طه آمده است: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى». با توجه به تفاسیر متعددی که از این آیه ارائه شده، قابلیت ترجمه‌های متعدد برای آن وجود دارد که برخی از آن‌ها منجر به پیدایش تصورات و برداشت‌های نادرست درباره مهم‌ترین موضوع اعتقادی (توحید) می‌شود. در نوشتار حاضر تلاش می‌شود با واکاوی مفهوم «عرش» و «استوی» از منظر لغت و دیدگاه مفسران و محدثان، ظرفیت‌های موجود در تفاسیر روایی برای ترجمه این آیه مورد بررسی قرار گیرد و گونه‌های نو، از

ترجمه این آیه، مبتنی بر دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام معرفی شود. همچنین تلاش می‌شود پرسش‌های زیر درباره ظرفیت روایات تفسیری در امر ترجمه قرآن پاسخ داده شود:

۱. در روایات تفسیری چه ظرفیت‌هایی برای ترجمه قرآن به زبان فارسی وجود دارد؟
 ۲. ترجمه مبتنی بر روایات تفسیری چه ویژگی‌هایی نسبت به ترجمه‌های مبتنی بر ادبیات، لغت و آراء مفسران دارد؟
 ۳. بهره مترجمان فارسی قرآن در ترجمه آیه پنجم سوره طه، از ظرفیت موجود در روایات تفسیری به چه میزان است؟
- این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی - توصیفی نوشته شده است.

۲- پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره واژه «عرش» صورت گرفته و از جنبه‌های مختلفی به تبیین آن پرداخته‌اند. در برخی از این پژوهش‌ها، در کنار بررسی آراء مفسران، به مفهوم عرش از منظر برخی روایات نیز اشاره شده است. به عنوان نمونه می‌توان به مقاله «واکاوی روایت خواجه اباصلت از امام رضا علیه‌السلام مبنی بر عدم جسمانیت عرش خداوند» اشاره نمود. نگارندگان این پژوهش، با بررسی مفهوم حقیقی «عرش»، آن را حقیقتی غیبی و مجرد از جسمانیت دانسته‌اند که جایگاه تدبیر و ربوبیت خداوند و منشأ صدور احکام عالم به شمار می‌رود (جمالی و مؤذنی، ۱۴۰۲، ص ۵۵-۸۱). همچنین، مهدی بیات مختاری در مقاله «عرش خدا و تفاوت آن با کرسی»، با کاوش درباره مفهوم دو واژه عرش و کرسی، دیدگاه پژوهشگران را در سه دسته تقسیم کرده است: الف) گروهی که این آیات را از تشابهات دانسته و از تعمق در آن‌ها منع کرده‌اند. ب) گروهی که آن‌ها را از پدیده‌های جسمانی برشمرده و اموری چون محل استقرار خداوند، دو جسم عظیم کیهانی، تمام آسمان و زمین، فلک هشتم و نهم دانسته‌اند. ج) گروهی که این دو واژه را نمادین و کنایه محض پنداشته و از آن‌ها معانی علم الهی، بخش فیزیکی و متافیزیکی هستی، قدرت الهی، تدبیر الهی، مشیت الهی فهمیده‌اند. نگارنده این مقاله، تفسیر عرش به مرکز تدبیر و مدیریت جهان و مقام صدور فرمان‌های خداوند را هماهنگ با آیات و روایات دانسته و بر این باور است که بیشتر اقوال را تحت پوشش خود قرار می‌دهد (بیات مختاری، ۱۳۹۰، صص ۵۳-۸۳).

مرتبط‌ترین پژوهش با نوشتار حاضر، تلاش ارزشمند علامه مجلسی در کتاب «السماء و العالم» از بحارالانوار است که در آن، پس از ذکر آیات و روایات مربوط به عرش و کرسی، به جمع‌بندی مفهوم عرش در روایات به صورت منظم پرداخته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۳۷).

پژوهش‌های صورت گرفته، غالباً بر تبیین مفهوم «عرش» متمرکز هستند و در هیچ‌یک به ترکیب این واژه با واژه «استوی» اشاره نشده است. افزون بر این، در بیشتر این پژوهش‌ها، صرفاً به بررسی آرای تفسیری بسنده شده و به بازتاب آن‌ها در ترجمه‌های فارسی قرآن پرداخته نشده است. نوشتار پیش رو، برخلاف

پژوهش‌های پیشین، به ظرفیت‌های موجود در روایات تفسیری برای ترجمه قرآن به صورت خاص تأکید دارد که نتایج آن در حوزه پژوهش‌های مربوط به ترجمه قرآن جدید است. همچنین پژوهش حاضر، بر تأثیر پیش فرض‌های تفسیری مترجمان در ترجمه آیات مربوط به «عرش» و «استوی» استوار است که پیش از این، به صورت خاص به آن پرداخته نشده است.

۳- تحلیل ادبی «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»

در خصوص این آیه، چند احتمال نحوی وجود دارد که برگزیدن هر یک منجر به ارائه ترجمانی متفاوت می‌شود. در ابتدا بودن واژه «الرَّحْمَن» در این آیه، اختلاف جدی وجود ندارد، جز اینکه برخی آن را خبر برای مبتدای محذوف گرفته‌اند (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۲۱). در این صورت، «الرَّحْمَن»، خبر برای «هُوَ» مقدر است: «[هُوَ] الرَّحْمَن: او رحمان است». نزاع اصلی در نقش نحوی «عَلَى الْعَرْشِ» و «اسْتَوَى» است که در مورد آن‌ها چند احتمال وجود دارد. در اینجا به برخی احتمالات، که علامه مجلسی نیز، آن‌ها را بررسی نموده است اشاره می‌شود (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۳۸):

۱-۳ بر اساس احتمال نخست، «عَلَى الْعَرْشِ» متعلق به «اسْتَوَى»، و مجموع عبارت «عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»، در جایگاه خبر برای «الرَّحْمَن» است. بیشتر مفسران و مترجمان بر اساس همین ترکیب، به تبیین و ترجمه آیه پرداخته‌اند که نشانگر تبادر این احتمال به اذهان، در نگاه اولیه به آیه است: «الرَّحْمَن اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ؛ خدای رحمان بر عرش استوا دارد».

۲-۳ بر اساس احتمال دوم، «عَلَى الْعَرْشِ»، حال برای «الرَّحْمَن» و «اسْتَوَى»، خبر برای آن است: «الرَّحْمَنُ كَانَتْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى؛ خدای رحمان درحالی که بر عرش است، استوا دارد».

۳-۳ احتمال دیگر، آن است که «عَلَى الْعَرْشِ» خبر اول و «اسْتَوَى» خبر دوم برای «الرَّحْمَن» باشند. در این صورت، فاعل «اسْتَوَى» ضمیری است که به «الرَّحْمَن» برمی‌گردد: «الرَّحْمَنُ يَكُونُ عَلَى الْعَرْشِ وَ الرَّحْمَنُ اسْتَوَى؛ خدای رحمان بر عرش است و او استوا دارد».

۴-۳ چهارمین احتمال، این است که «عَلَى الْعَرْشِ»، خبر برای «الرَّحْمَن»، و «اسْتَوَى» حال برای «عَرْش» یا «الرَّحْمَن» باشد. این احتمال منوط به آن است که عبارت «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ» را یک جمله تامه مرکب از مبتدا و خبر دانسته و «اسْتَوَى» را رکن جمله به شمار نیاورد؛ درحالی که سیاق سایر آیات مربوط به استوای خداوند بر عرش، این احتمال را یاری نمی‌کند نظیر «ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ» (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۱۲۸). بنابراین، احتمال تقدیر عبارت چنین است «الرَّحْمَنُ [يَكُونُ] عَلَى الْعَرْشِ [قَدْ] اسْتَوَى» که در مورد ضمیر فاعلی «اسْتَوَى» دو احتمال وجود دارد:

- به عرش برگردد: «خدای رحمان بر عرش در حال استوا، قرار دارد».
- به الرَّحْمَن برگردد: «خدای رحمان درحالی که استوا دارد بر عرش قرار دارد».

هر یک از این احتمالات، با وجود قوت و ضعفی که در برخی مشاهده می‌شود، قابل دفاع هستند و نمی‌توان آن‌ها را نادرست و مردود دانست. در عین حال، با توجه به نزدیک‌تر بودن دو ترکیب نخست به ذهن، ترجمه‌های پیشنهادی در این پژوهش بر اساس این دو ترکیب خواهد بود.

۴- مفهوم عرش

واژه عرش در اصل، به معنای بلندی و ارتفاع در شیء، بنا یافته است که به صورت استعاره در معانی گوناگون به کار رفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۶۴). واژه‌شناسان برای عرش، معانی مختلفی ذکر کرده‌اند که به نوعی مفهوم ارتفاع و بلندی در آن‌ها نمایان است. به سقف خانه که در مرتفع‌ترین مکان آن بنا می‌شود، عرش گویند، چنان‌که در آیه «وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا» (بقره: ۲۵۹) به این معنا آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۵۸). فراهیدی عرش را به معنای تخت پادشاه دانسته که در بالاترین مکان مجلس قرار دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۴۹). بر همین اساس به هر تختی، عرش گفته نمی‌شود. تخت، گاهی پادشاه بر آن می‌نشیند و گاهی عروس و گاهی میت را بر آن می‌گذارند. در این میان، واژه عرش به تختی اطلاق می‌شود که پادشاه بر آن می‌نشیند و برای دو حالت دیگر، از تعبیر اریکه و نعش استفاده می‌شود (ثعالبی، ۱۴۱۴، ص ۲۷۱). این مطلب حاکی از لازم بودن لحاظ مفهوم رفعت و بلندی در تخت پادشاه و محل نشستن او است. از دیگر استعمالات این واژه، داربست تاک است که موجب بالا رفتن و استقرار آن می‌شود. بر همین اساس زمانی که انگور را به داربست می‌کشند، «اعترش العنب» گویند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۶۶). به هودج و کجاوه که بر بالای مرکب یا دوش بردگان حمل می‌شود نیز «عریش» گفته می‌شود.

دلالت واژه عرش بر ارتفاع و بلندی، سبب شده تا عرف، آن را مقابل «فرش» قرار داده و بگویند: «مَنْ الْعَرْشِ إِلَى الْفَرْشِ» (زمخشری، ۱۹۶۰، ص ۶۲۱). از همین رو، وقتی کار کسی بالا گرفته و امور زندگی او قوام پیدا کند، گفته می‌شود او به عرش رسیده و وقتی مقام خود را از دست می‌دهد، می‌گویند: «ثُلَّ عَرْشُهُ؛ یعنی عرش او فرو ریخت» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۴۹). راغب با در نظر داشتن همین معنا، عرش را کنایه از عزت، سلطنت و پادشاهی دانسته است. می‌توان گفت کسانی که در جایگاه سلطنت و پادشاهی قرار دارند، نسبت به سایر مردم جایگاه برتر و بالاتری دارند.

با توجه به آنچه گذشت، برای مفهوم لغوی عرش، معانی مختلفی نظیر سقف خانه، تخت پادشاهی، داربست انگور، هودج و کجاوه، محل نشستن پادشاه، فرمانروایی، بالا گرفتن کار، عزت و ... بیان شده که در همه آن‌ها، مفهوم ارتفاع و بلندی - اعم از ظاهری و معنوی - نهفته است. از این رو، انتظار می‌رود در مصداق عرش الهی نیز این مفهوم وجود داشته باشد؛ چنان‌که در قرآن، این واژه با واژه «عَظِيم» توصیف شده و ابن عباس درباره وجه تسمیه آن گفته است: «إِنَّمَا سُمِّيَ الْعَرْشُ عَرْشًا لِإِزْتِفَاعِهِ» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۹۷).

۵- استوای خداوند

«سین واو یاء»، در اصل بر وجود تناسب و تعادل بین دو شیء دلالت دارد. عرب‌زبانان برای بیان عدم تناسب و تعادل بین دو چیز می‌گویند: «هَذَا لَا يَسَاوِي كَذَا» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۱۲). از جمله استعمالات صرفی این واژه، ساختار آن در باب افتعال است که گوهر معنایی ذکر شده در آن نمایان است. درباره گروهی که از نظر مالی در یک سطح هستند و هیچ‌یک نسبت به دیگری برتری ندارند، گفته می‌شود: «إِسْتَوَى الْقَوْمُ فِي الْمَالِ» (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹۸)؛ یعنی آن گروه از نظر مالی با یکدیگر تناسب داشته و بین آن‌ها تعادل برقرار است. این واژه، گاهی با حرف «عَلَى» متعددی می‌شود که به همراه آن بر قرار گرفتن روی چیزی با حالت تعادل و بدون لرزش دلالت دارد. بر همین اساس، زمانی که اسب‌سوار، با حالت تعادل و قرار بر اسبش سوار باشد، گفته می‌شود: «إِسْتَوَى عَلَى الْفَرَسِ» که با نشستن معمولی تفاوت دارد. نشستن ممکن است به صورت نامتعادل و همراه با عدم تسلط باشد، ولی واژه «إِسْتَوَى عَلَى» بر قرار گرفتن همراه با تعادل و تسلط دلالت دارد. از همین رو، برخی از واژه‌شناسان برای بیان مفهوم «إِسْتَوَى عَلَى»، واژه‌های «استقرار» به معنای جا گرفتن همراه با ثبات، و «استیلاء» به معنای تسلط یافتن را پیشنهاد داده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۹؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹۸) که در هر دو، مفهوم تعادل و قرار وجود دارد. همچنین این واژه، گاهی با حرف «إِلَى» همراه شده که برای آن، معانی مختلفی نظیر قصد کردن، رو کردن و منتهی شدن ذکر شده است؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «إِسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ» (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۴۱۴). بر این اساس، زمانی که این واژه به خداوند نسبت داده شود، چند احتمال درباره معنای آن وجود دارد:

۱-۵- تناسب و تعادل داشتن

مراد از اعتدال و تناسب در یک شیء، این است که همه چیز در آن سر جای خود قرار گرفته و آن شیء در نهایت کمال است. تناسب و تعادل داشتن خداوند، به معنای نفی همه‌جانبه نقص از ذات پاک او است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۳۷). از این رو، استوای خداوند، به این معناست که او در نهایت کمال و اعتدال است و هیچ نقصی برای او نیست.

۲-۵- تساوی داشتن نسبت چیزی

تساوی داشتن خداوند نسبت به اشیاء، به این معنا است که خداوند، نسبتش به آن‌ها یکسان است و چنین نیست که نسبت او به موجودی، در مقایسه با موجود دیگر دورتر یا نزدیکتر باشد.

۳-۵- قصد کردن یا رو آوردن

این معنا با ترکیب «إِسْتَوَى إِلَى» سازگار است. برگزیدن این معنا منوط به این است که «عَلَى الْعَرْشِ»، متعلق به «استوی» باشد و حرف «عَلَى» به معنای «إِلَى» استعمال شده باشد. در این صورت، استوای خدا بر چیزی، به معنای رو آوردن به آن یا قصد کردن آن است.

۴-۵- استیلا و غلبه یافتن

تسلط و غلبه یافتن خداوند بر چیزی، کنایه از فرمانروایی و حاکمیت تدبیر خداوند بر آن است؛ چرا که لازمه غلبه یافتن بر چیزی، به دست گرفتن اختیار و تدبیر آن است. این معنا، در صورتی با آیه سازگار است که «عَلَى الْعَرْشِ» متعلق به «إِسْتَوَى» باشد.

۵-۵- استقرار و جا گرفتن

بدون تردید، پذیرش معنای مستقر شدن و جا گرفتن خداوند بر چیزی، مستلزم پذیرش مکان برای خداوند است که بر اساس براهین عقلی و نقلی به محال می‌انجامد. این معنا، در صورتی با آیه سازگار است که «عَلَى الْعَرْشِ» متعلق به «إِسْتَوَى» باشد.

۶-۵- استوای بر عرش در کلام مفسران

حقیقت و چیستی عرش الهی، از موضوعاتی است که درک و تبیین آن، معرکه آراء مفسران و متکلمین بوده و دیدگاه‌های گوناگونی در مورد آن مطرح شده است. بر اساس برخی پژوهش‌ها، در تبیین حقیقت عرش الهی سه مبنای کلی وجود دارد: مجمل بودن، جسمانی بودن، کنایی بودن (ر.ک: بیات مختاری، ۱۳۹۰، ص ۶۶). هر چند این دسته‌بندی، در جای خود پسندیده است ولی با توجه به ظرافت امر ترجمه، بهتر است مبانی مفسران و متکلمان به گونه‌ای دقیق‌تر دسته‌بندی شوند تا مرز ترجمه بر اساس هر مبنا به روشنی ترسیم گردد. بر این اساس، دیدگاه مفسران درباره مفهوم «استوای بر عرش» در چهار دسته قرار می‌گیرند:

۱-۶- مجمل بودن معنا

بر اساس این دیدگاه، در ترجمه آیه باید همان الفاظ موجود در قرآن آورده شود و از آوردن معادل خودداری نمود؛ زیرا این آیه در زمره آیات متشابه است که درک حقیقت آن دشوار است. این دیدگاه، به برخی صحابه پیامبر ﷺ نسبت داده شده که شماری از عالمان اهل سنت طبق آن عمل کرده‌اند. به عنوان نمونه، زمانی که از ام سلمه همسر پیامبر ﷺ درباره «استواء» سؤال شد، در پاسخ گفت: «مفهوم استوا [ی خدا بر عرش] معلوم است، ولی کیفیت آن ناشناخته است. در عین حال ایمان به آن واجب است» (زركشي، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۷۸).



۲-۶- امر جسمانی بودن

به باور قائلان این مبنا، عرش الهی، موجود عینی و از پدیده‌های جسمانی عالم است. از دیرباز شماری از مذاهب کلامی اهل سنت، نظیر حشویه و مجسمه، عرش را به معنای لغوی (تخت پادشاه) گرفته و معتقد بودند: خداوند بر تخت بزرگی نشسته و امور عالم را تدبیر می‌کند. به عنوان نمونه، شهرستانی به باور محمدبن کرام (بزرگ فرقه کرامیه) اشاره کرده که بر استقرار معبود بر عرش تصریح داشته است (شهرستانی، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۱۰۸). همچنین در کلمات برخی فلاسفه و مفسران، برای عرش الهی مصادیقی چون: فلک نهم از هیأت بطلمیوسی، سیاره مشتری، اجرام وسیع کیهانی و ... مطرح شده است (ر.ک: بیات مختاری، ۱۳۹۰، صص ۶۸ - ۷۱). با صرف نظر از دیدگاه حشویه و مجسمه، به احتمال زیاد، باورمندان به این تفاسیر در تبیین «استوای بر عرش»، از معنای ظاهری دست برداشته و آن را بر معنای کنایی - نظیر احاطه بر هستی - حمل می‌کنند. در غیر این صورت، برگزیدن این معانی، مستلزم پذیرش جسمانیت برای خداوند است که با براهین عقلی و نقلی ناسازگار است.

۳-۶- امر غیر جسمانی بودن

به باور برخی دانشمندان، عرش الهی دارای وجود حقیقی و مستقل از ذات پروردگار است، ولی نمی‌توان آن را از پدیده‌های جسمانی به شمار آورد. در حقیقت، عرش الهی مقامی در عالم وجود است که سررشته تمام حوادث و امور عالم در آنجا جمع است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۵۶). به بیان دیگر، این موجود غیر جسمانی، جایگاه صدور تدابیر و اوامر تکوینی خداوند است (بیات مختاری، ۱۳۹۰، ص ۵۹). بر اساس این دیدگاه، مراد از استوای خداوند بر عرش، احاطه تدبیری خداوند بر ملکش است.

۴-۶- کنایه بودن معنا

بنابر باور برخی از مفسران، واژه «عرش» در این آیه به معنای لغوی (تخت فرمانروایی) به کار رفته، ولی معنای کنایی آن مدنظر است. از آنجا که قرار گرفتن و استیلای بر تخت فرمانروایی تنها در صورت دستیابی به مقام فرمانروایی حاصل می‌شود، استوای بر عرش کنایه از فرمانروایی است؛ هر چند از اساس تختی در کار نباشد (زمخشری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۳۰). از این رو، استوای خداوند بر عرش کنایه از فرمانروایی و استیلای خداوند بر هستی و حاکمیت تدبیر او بر مخلوقات است.

جدول ۱- ترجمه بر اساس دیدگاه مفسران

دیدهگاه تفسیری	ترجمه پیشنهادی	توضیحات
۱	مجممل بودن	خدای رحمان، بر عرش مستوی است. خدای رحمان بر عرش استوی دارد. لزوم نیابردن معادل برای واژه‌های عرش و استوی
۲	موجود جسمانی	خدای رحمان، بر تخت پادشاهی استقرار یافت. خدای رحمان، بر فلک الافلاک استقرار یافت (بر هستی سیطره یافت). نامناسب به جهت توهم جسمانیت
۳	موجود غیر جسمانی	خدای رحمان، بر مقام تدبیر و جایگاه فرمانروایی ملکش سیطره یافت. -
۴	معنای کنایی	خدای رحمان، فرمانروایی و تدبیر هستی را در دست گرفت. لزوم آوردن معنای کنایی در متن اصلی ترجمه

۷- عرش الهی در روایات

بر اساس برخی روایات، عرش الهی با وجود شیء بودن، به شکل تخت و محل جلوس نیست. در عین حال، از مخلوقات خداوند است و تدبیر الهی بر آن حاکم است (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۱۶). از سویی بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام عرش در قرآن معانی مختلفی دارد که در هر مورد معنای خاصی برای آن قرار داده شده است (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۲۱). طبق پژوهش علامه مجلسی در بحار الانوار، در روایات برای «عرش الهی» چند معنا مطرح شده است:

۷-۱- مخلوقی محیط بر آسمان‌ها و کرسی

عرش، مخلوقی بزرگ است که خداوند آن را مافوق آسمان‌های هفت‌گانه خلق کرده و به مراتب از کرسی بزرگتر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی، آسمان‌های هفت‌گانه را در مقایسه با کرسی، چون حلقه‌ای در بیابان بیان نموده و در ادامه، کرسی را در مقایسه با عرش، به منزله حلقه‌ای در بیابان دانسته است (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۵۲۴). بر اساس این دسته از روایات، مافوق آسمان‌ها کرسی، و مافوق کرسی، عرش قرار گرفته



است؛ ولی بالاتر از عرش، مخلوقی احاطه ندارد و تنها خدای رحمان بر آن سیطره دارد (جزائری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۹۸). از همین رو، می‌توان عرش الهی را سقف هستی دانست.

۷-۲- مُلک و فرمانروایی

شیخ مفید، معتقد است که عرش در قرآن، به معنای مُلک به کار رفته است؛ «لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» یعنی «لَهَا مُلْكٌ عَظِيمٌ». استوای خداوند بر عرش نیز به معنای استیلای او بر مُلک است (ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۷۵). امام صادق علیه السلام به حنان بن سدید فرمودند: «فَقَوْلُهُ: «رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» يَقُولُ: الْمُلْكُ الْعَظِيمُ، وَ قَوْلُهُ: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» يَقُولُ: عَلَى الْمُلْكِ احْتَوَى» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۲۱). این معنا، با مفهوم لغوی عرش سازگار است؛ چون عرش در لغت، به معنای تخت پادشاه است و نشستن بر تخت پادشاهی، تنها در صورت تسلط بر مقام فرمانروایی امکان دارد. بر همین اساس در زبان عربی، عرش را کنایه از مُلک می‌دانند. وقتی گفته شود: «أُظْنِنْتُ عَرْشَكَ لَا يَزُولُ»، مراد این است که آیا می‌پنداری مُلک و سلطنت تو از بین نمی‌رود؟!

۷-۳- علم خداوند

در برخی روایات، عرش و کرسی، دو نوع از علم خداوند سبحان بیان شده‌اند. امام صادق علیه السلام در روایتی کرسی را باب علم ظاهر، و عرش را باب علم باطن دانستند (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۲۲). همچنین در روایتی امام صادق علیه السلام فرمودند: «الْعَرْشُ هُوَ الْعِلْمُ الَّذِي لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَهُ» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۲۷). همان‌طور که فرمانروا با در دست گرفتن سکان تخت فرمانروایی بر امور مردم تسلط پیدا کرده و بر آنها تجلی می‌کند، خداوند نیز با علم خود بر امور مردم تسلط پیدا کرده و تدبیر آنها را در اختیار می‌گیرد. از این رو، علم و معرفت خداوند به منزله عرش او است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۳۸).

۷-۴- تمام مخلوقات یا تمام اشیاء

از نگاه شیخ صدوق، عرش، عبارت است از تمام مخلوقاتی که خداوند آنها را خلق کرده است (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۴۵). به این معنا در روایتی از امام صادق علیه السلام با تعبیر «الْعَرْشُ فِي وَجْهِ هُوَ جَمَلَةُ الْخَلْقِ» اشاره شده است (صدوق، ۱۳۷۹ق، ص ۲۹). همچنین آن حضرت علیه السلام در پاسخ به پرسش از آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» فرمودند: «إِسْتَوَى عَلَى كُلِّ شَيْءٍ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۲۷). با توجه به اینکه هر موجودی در آسمان و زمین، نشانه وجود، قدرت و حکمت خداوند است، می‌توان مجموعه مخلوقات را محل ظهور عظمت و جلال الهی دانست که به وسیله آنها بر عارفان تجلی می‌کند. بر این اساس، همان‌طور که تخت پادشاه محل ظهور پادشاه و قدرت او است، مخلوقات خداوند نیز محل ظهور عظمت و قدرت خداوند هستند. به همین دلیل می‌توان آنها را عرش عظمت الهی نامید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۳۸).

۵-۷- صفات جمال و جلال الهی

امام رضا علیه السلام در روایتی فرمودند: «الْعَرْشُ اسْمٌ عَلِيمٌ وَقُدْرَةٌ وَ عَرْشٌ فِيهِ كُلُّ شَيْءٍ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۳۱). بر اساس این روایت، واژه عرش، افزون بر عرشی که حاوی تمام اشیاء است، برای صفات الهی نظیر علم و قدرت نیز به کار می‌رود و می‌توان مراد از عرش را، صفت علم یا صفت قدرت یا سایر صفات الهی دانست. امام صادق علیه السلام در روایت دیگری، از جمله معانی عرش را «عرش وحدانیت» بیان نمودند که در آیه «رَبُّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» آمده است (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۲۳). همان‌طور که تخت فرمانروا محل استقرار پادشاه و ظهور او بر مردم است، صفات الهی نیز محل استقرار جمال و جلال خداوند هستند که به وسیله آن‌ها، خویش را بر بندگان آشکار می‌کند. به همین دلیل، می‌توان خداوند را دارای عرش علم، عرش قدرت، عرش رحمانیت، عرش رحیمیت، عرش وحدانیت و ... دانست که با هر یک از آن‌ها بر بندگان تجلی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۵، ص ۳۸).

از میان معانی یادشده، مفهوم نخست را به دلیل موافقت با معانی لغوی واژه عرش، می‌توان به عنوان معنای حقیقی برای عرش الهی مطرح نمود که معنای ارتفاع نیز در آن هویدا است. مفهوم دوم نیز موافق با معنای حقیقی است، ولی معنای کنایی آن اراده شده است. در مقابل، مفاهیم «علم»، «تمام مخلوقات» و «صفات الهی»، از معانی مجازی برای عرش الهی به شمار می‌آیند. با در نظر داشتن معانی پنج‌گانه برای عرش الهی و نیز مفاهیم پنج‌گانه «استوی»، از نظر ثبوتی، حداقل می‌توان برای آیه، بیست و پنج ترجمه ارائه داد که بی‌تردید، بعضی از آن‌ها درست نیست. برخی روایات در تفسیر این آیه شریف، به معانی مورد نظر اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده‌اند که در ادامه ذکر می‌شوند.

۸- استوای خداوند بر عرش از منظر روایات

بر اساس روایتی، خدای متعال در آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» در مقام توصیف خویش است (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴۸) که در این صورت تعبیر «عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» وصف برای ذات پاک اوست. برخی روایات نیز در تبیین این عبارت، از کلماتی نظیر «مستولی» و «مستوی» بهره گرفته‌اند که وصف بودن آن را تأیید می‌کند (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۳ و ۲۴۸). بر همین اساس، در تحلیل ادبی آیه می‌توان در کنار احتمالات بیان شده، تعبیر «الرَّحْمَنُ» و «عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» را اوصافی برای عبارت «مَنْ خَلَقَ الْأَرْضَ» در آیه قبل دانست. به تصریح روایتی، استوای خداوند بر عرش، همراه با زوال نیست (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۳) که نشان می‌دهد استوای جسمانی زوال‌پذیر، مراد نیست؛ بلکه این تعبیر، بیانگر وصفی مناسب با ازلی بودن خداوند است. در روایات اهل بیت علیهم السلام برای این وصف، تفاسیر متعددی بیان شده است:

۱-۸- استیلا بر تمام مخلوقات

امام کاظم علیه السلام در پاسخ به پرسش از آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» فرمودند: «استولی عَلَى مَا دَقَّ وَ جَلَّ» (برقی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۳۸). مراد از «مَا دَقَّ وَ جَلَّ»، تمام اشیاء اعم از کوچک و بزرگ است. لذا بر اساس این روایت، منظور از عرش، تمام مخلوقات است. از طرفی، منظور از استیلاى خداوند بر تمام اشیاء، احاطه او بر آن‌هاست، به طوری که هیچ چیزی بر او پوشیده نماند (قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۹۴). تفسیر ذکر شده مبتنی بر این است که «عَلَى الْعَرْشِ» در آیه، متعلق به «اِسْتَوَى» باشد؛ چرا که از نظر لغوی، «اِسْتَوَى» به معنای تناسب و تعادل است و در اثر همراهی با «عَلَى»، مفهوم استیلا یا استعلا را تضمین می‌کند. این مطلب در برخی روایات نیز مدنظر قرار گرفته است. امیرمؤمنان علیه السلام در بیان مفهوم این آیه فرمودند: «اِسْتَوَى تَدْبِيرُهُ وَ عَلَا أَمْرُهُ» (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۳۷۳). در این روایت، عرش به معنای «فرمانروایی و تدبیر» آمده و استوی، معنای استیلا را تضمین کرده است.

۲-۸- تساوی نسبت

بر اساس برخی روایات، استوای خداوند بر عرش، به این معناست که خداوند از نظر دوری و نزدیکی، نسبت به تمام اشیاء یکسان است. امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش از آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» فرمودند: «اِسْتَوَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَقْرَبَ إِلَيْهِ مِنْ شَيْءٍ لَمْ يَتَّعِدْ مِنْهُ بَعِيدٌ وَ لَمْ يَقْرُبْ مِنْهُ قَرِيبٌ اِسْتَوَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۱۵). بر اساس این روایت، استوی در این آیه، به معنای «استوی من» به کار رفته است که به معنای اعتدال در نسبت است و با معنای لغوی آن سازگار است. به تعبیری، استوای خداوند به معنای تعادل داشتن در جلوس یا در قیام نیست؛ بلکه مراد، تعادل داشتن نسبت به هر چیزی است؛ به طوری که در نسبت او به اشیاء قرب و بُعد وجود ندارد و همه چیز برای او در یک سطح است (نائینی، ۱۴۲۴ق، ص ۴۲۳).

با در نظر داشتن این معنا و با توجه به همراهی «اِسْتَوَى» با «عَلَى» در آیه، می‌توان آن را متضمن معنای کلماتی نظیر «استیلا» نیز دانست. در این صورت مفهوم آیه بر اساس این روایت چنین خواهد بود: «الرَّحْمَنُ حَال كَوْنَهُ مُسْتَوِيًا عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَتْ نِسْبَتُهُ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۳۷). در این صورت، فایده آوردن حال در آیه، بیان این نکته است که تساوی نسبت او به مخلوقات، با استیلاى او بر عرش منافات ندارد. بر اساس این معنا و با توجه به معانی متعددی که برای عرش الهی در روایات بیان شده است، قابلیت ارائه ترجمه‌های متعدد برای آیه شریفه پیدا می‌شود، نظیر:

- الرَّحْمَنُ حَال كَوْنَهُ مَتَمَكِّنًا عَلَى عَرْشِ الْعِلْمِ تَسَاوَتْ نِسْبَتُهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.
- الرَّحْمَنُ حَال كَوْنَهُ عَلَى عَرْشِ الْعِظَمَةِ اسْتَوَى نِسْبَتُهُ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ.
- الرَّبُّ سُبْحَانَهُ حَال كَوْنَهُ عَلَى عَرْشِ الرَّحْمَانِيَةِ اسْتَوَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.

۳-۸- در دست گرفتن فرمانروایی

امام صادق علیه السلام در توضیح مراد خداوند از این آیه فرمودند: «عَلَى الْمُلْكِ احْتَوَى، وَهَذَا مُلْكُ الْكِفُوفِيَةِ فِي الْأَشْيَاءِ» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۲۱). در این روایت، واژه «إِحْتَوَى» به عنوان معادل برای «إِسْتَوَى» بیان شده است. «إِحْتَوَى عَلَى» در لغت، به معنای سیطره یافتن بر چیزی و در بر گرفتن آن به کار می‌رود (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۸). از سویی عرش، به معنای «مُلْكُ الْكِفُوفِيَةِ فِي الْأَشْيَاءِ» آمده است. کيفوفيت از «كيف» گرفته شده که سؤال از حالت است. مُلْكُ كَيْفُوفِيَةِ، تدبیر ویژگی‌ها و احوال اشیاء است که بعد از ایجاد آن‌ها صورت می‌گیرد. در حقیقت، نه تنها ایجاد اشیاء در تحت سلطه خداوند است، بلکه هر آنچه بعد از ایجاد در آن‌ها واقع شود هم، تحت تدبیر او است (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۲۱، تعلیقه حسینی تهرانی). به باور علامه طباطبائی، واژه «كيف» در عرف، گاهی برای سؤال از سبب شیء به کار می‌رود. در این صورت، مراد از ملک کيفوفيت در اشیاء، حکمرانی بر علل و اسباب عالی آن‌ها خواهد بود (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۶۶). بر اساس این دو بیان، در تبیین مراد آیه، می‌توان دو احتمال ارائه داد:

- الرَّحْمَنُ احْتَوَى عَلَى أحوال الْأَشْيَاءِ بَعْدَ إِيجَادِهَا.
- الرَّحْمَنُ احْتَوَى عَلَى الْعِلَلِ الْعَالِيَةِ وَالْأَسْبَابِ الْقَصْوَى لِلْمَوْجُودَاتِ.

باتوجه به معانی مختلفی که در روایت پیرامون مفهوم «عرش الهی» و نیز «استوای خداوند بر عرش» بیان شده، می‌توان گونه‌های مختلفی از ترجمه برای آیه مطرح نمود که در جدول زیر به برخی از گونه‌های قابل قبول و مناسب اشاره شده است.

جدول ۲- ترجمه‌های پیشنهادی بر اساس روایات

معنای استوی	معنای عرش	ترجمه پیشنهادی	ترکیب نحوی
تناسب و اعتدال	تخت فرمانروا	خدای رحمان، درحالی که بر تخت فرمانروایی و تدبیر (هستی) است، در نهایت کمال و اعتدال است.	«علی العرش» حال و «استوی» خبر برای «الرحمن»
	سقف هستی	خدای رحمان، درحالی که بر فراز هستی است، در نهایت کمال و اعتدال است.	



	صفات الهی	۳	خدای رحمان، درحالی که بر بلندای علم و قدرت است، در نهایت کمال و اعتدال است.
«علی العرش» حال و «استوی» خبر برای «الرحمن»	صفات الهی	۴	خداوند، درحالی که در اوج رحمانیت است، نسبتش به هر چیزی مساوی است.
		۵	خدای رحمان، درحالی که در اوج عظمت است، نسبت به هر چیزی مساوی است.
		۶	خدای رحمان، در اوج آگاهی، نسبتش به هر چیزی مساوی است.
	تخت فرمانروا	۷	خدای رحمان، درحالی که بر تخت فرمانروایی و تدبیر (عالم) است، نسبتش به تمام موجودات یکسان است.
	تمام مخلوقات	۸	خدای رحمان، درحالی که بر (فراز) تمام مخلوقات است، نسبتش به تمام موجودات یکسان است (دور و نزدیک در مورد او معنا ندارد).
	علم خداوند	۹	خدای رحمان، درحالی که (به تمام هستی) عالم است، نسبتش به هر چیزی مساوی است (علم او موجب شده دور و نزدیک برایش معنا نداشته باشد).

به شرطی که «علی» در آیه به معنای «الی» باشد.	خدای رحمان، به حکمرانی و تدبیر (هستی) پرداخت.	فرمانروایی	قصد کردن، پرداختن	۱۰
	خدای رحمان، (آفرینش) تمام مخلوقات را قصد کرد.	تمام مخلوقات		۱۱
«علی العرش» متعلق به «استوی» بوده و «علی العرش استوی» خبر برای «الرحمن».	خدای رحمان، بر خرد و کلان موجودات احاطه یافت.	تمام مخلوقات	غلبه کردن، احاطه یافتن، مسلط شدن	۱۲
	خدای رحمان، فرمانروایی و تدبیر (هستی) را در دست گرفت.	فرمانروایی		۱۳
	خدای رحمان، حکمرانی بر علل و اسباب عالی اشیاء را در دست گرفت.			۱۴
	خدای رحمان، تدبیر ویژگی ها و حالات اشیاء را (پس از ایجاد آن ها) در دست گرفت.			۱۵
	خدای رحمان، بر فراز هستی سیطره یافت.	سقف هستی		۱۶
	«علی العرش» متعلق به «استوی» بوده و «علی العرش استوی» خبر برای «الرحمن».	خدای رحمان، بر تخت قدرت و شکوه قرار گرفت.	صفات الهی	استقرار یافتن
خدای رحمان، بر تخت جهاننداری و تدبیر (هستی) قرار گرفت.		فرمانروایی	۱۸	
خدای رحمان، بر (فراز) تمام مخلوقات قرار یافت.		تمام مخلوقات	۱۹	
خدای رحمان، بر فراز هستی مستقر شد.		سقف هستی	۲۰	

۹- ارزیابی ترجمه‌های فارسی قرآن

با در نظر داشتن سه معیار لغت، تفسیر و روایت، ترجمه‌های گوناگونی از آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» می‌توان ارائه داد. بررسی ترجمه‌های موجود فارسی قرآن کریم، نشان می‌دهد از میان گونه‌های متنوع ترجمه که پیش از این به آن‌ها اشاره شد، تنها برخی مورد توجه مترجمان قرار گرفته است. شمار قابل توجهی از ترجمه‌های فارسی، تنها بر اساس یکی از احتمالات ادبی مطرح شده صورت گرفته‌اند. در این ترجمه‌ها «عَلَى الْعَرْشِ» متعلق به «إِسْتَوَى»، و مجموع «عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» خبر برای «الرَّحْمَن» در نظر گرفته شده است. بر اساس پژوهش صورت گرفته، مترجمان فارسی‌زبان، برای ترجمه «استوای خداوند بر عرش»، از مفاهیم زیر بهره گرفته‌اند:

۹-۱- استیلای خداوند بر عرش

بیشتر مترجمان، به دلیل همراهی «استوی» با حرف جر «عَلَى»، ترجیح داده‌اند از مفهوم «استیلای بر عرش» استفاده کنند. برخی مترجمان ضمن پابندی به مفهوم لغوی عرش (تخت فرمانروایی)، کوشیده‌اند با آوردن تعبیر توضیحی نظیر تخت فرمانروایی هستی یا عالم وجود، تمایز بین عرش پادشاه و عرش خداوند را برجسته کنند. با صرف نظر از اختلافاتی که در انتخاب معادل برای واژه «عرش» بین آن‌ها وجود دارد، برخی در ترجمه خود، از کلمه «استیلا» استفاده کرده‌اند که به دلیل عربی بودن، معادل مناسبی محسوب نمی‌شود. در مقابل، شماری از مترجمان از معادل‌های فارسی نظیر غلبه کردن، در دست گرفتن، احاطه یافتن، مسلط شدن، چیره شدن بهره گرفته‌اند. برخی نیز به ترجمه خود، مراد کنایی استیلای بر عرش را افزوده‌اند: «خدا رحمان بر عرش مسلط است (تدبیر جهان به دست اوست)».

جدول ۳- ترجمه‌های مبتنی بر مفهوم «استیلای خداوند بر عرش»

مترجم	معنای عرش	ترجمه	ترجمه روایی	نقد و بررسی
۱	اشرفی، آیتی	—	خدای بخشنده، بر عرش مستولی شد. خدای رحمان بر عرش استیلا دارد.	نیافتن معادل «عرش» و «استیلا»
۲	ارفع	—	همان خدای رحمانی که بر عرش مسلط است.	نیافتن معادل «عرش»



۳	انصاریان	تخت فرمانروا	[خدای] رحمان، بر تخت فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش چیره و مسلط است.	-	تمایز تخت خداوند با تخت پادشاه با آوردن افزوده
۴	الهی قمشه‌ای	تمام مخلوقات	آن خدای مهربانی که بر عرش (عالم وجود و کلیه جهان آفرینش به علم و قدرت) مستولی و محیط است.	معنای «عرش»	نیافتن معادل برای «استیلا»
۵	صادقی تهرانی	ربوبیت خداوند	(خدای) رحمت‌گر، بر آفریدگان (پس از آفرینش جهان) بر عرش (ربوبیت) چیره شده است.	معنای «عرش» و «استوای بر عرش»	-
۶	قرائتی	تخت فرمانروا	(او خداوندی بخشنده و) رحمان است که بر عرش (تخت فرمانروایی هستی) تسلط دارد	-	تمایز تخت خداوند با تخت پادشاه با آوردن افزوده
۷	بلاغی	مرکز فرمانروایی	«رحمان» (یعنی بخشایشگر) بر عرش (که مرکز فرمانروایی او است) فرمانروایی دارد.	-	مفهوم کنایی «استوای بر عرش»
۸	ریاعی	تمام مخلوقات	خدای رحمان، بر عرش مسلط است (بر تمام مخلوقاتش فرمانروایی دارد).	معنای «عرش»	مفهوم کنایی «استوای بر عرش» در افزوده توضیحی
۹	فارسی	—	همان خدای رحمان که بر عرش (سایه قدرت و فرمانروایی) گسترده.	-	نیافتن معادل عرش

۱۰	گرمارودی	تخت فرمانروایی	(خداوند) بخشنده، بر اورنگ (فرمانفرمایی جهان) استیلا دارد.	-	نیافتن معادل «استیلا»، تمایز تخت خداوند با تخت پادشاه با آوردن افزوده
۱۱	یزدی	قدرت خداوند	خدای مهربان، بر عرش (مرکز قدرت مطلق) استیلا دارد.	معنای «عرش»	نیافتن معادل «استیلا»
۱۲	فولادوند، خرمشاهی	—	خدای رحمان، که بر عرش استیلا یافته است.	-	نیافتن معادل «استیلا» و «عرش»، صفت گرفتن «استوای بر عرش»
۱۳	مکارم شیرازی	—	همان بخشنده‌ای که بر عرش مسلط است.	-	نیافتن معادل «عرش»، صفت گرفتن «استوای بر عرش»

۹-۲- استقرار بر عرش

برخی مترجمان، با توجه به مفهومی که برای «إِسْتَوَى عَلَى» در منابع لغوی ذکر شده، در ترجمه آیه، از تعبیری نظیر جای گرفتن، قرار گرفتن، مستقر شدن، استقرار یافتن، استوار شدن (استقرار همراه با تعادل) استفاده کرده‌اند. بدون تردید، ظاهر این معنا که پندار جسمانیت خداوند را در پی دارد، مراد نیست؛ بلکه مفهوم کنایی آن (فرمانروایی و تدبیر امور) مورد نظر است. بر همین اساس، در این دسته از ترجمه‌ها، ساختار کنایه در زبان مبدأ حفظ شده و به مراد آیه اشاره نشده است. هرچند، حفظ ساختار کنایه در ترجمه برخی ترکیب‌های کنایی، برای رعایت ادب یا پرهیز از آوردن الفاظ قبیح و نظائر آن، امری پسندیده است، ولی در اینجا، به دلیل جلوگیری از پندار جسمانیت خداوند برای مخاطبان ناآشنا به زبان عربی، بهتر است به مراد از کنایه در ترجمه اشاره شود. در بیشتر ترجمه‌های مبتنی بر این معنا، مترجمان کوشیده‌اند تا ضمن نگه داشتن ساختار کنایی آیه در ترجمه، با آوردن کلماتی نظیر عرش تدبیر، تخت اقتدار، تخت مالکیت و ... ذهن مخاطب را به مراد کنایی آیه متوجه ساخته و از پندار جسمانیت دور کنند.

جدول ۴- ترجمه‌های مبتنی بر مفهوم «استقرار خداوند بر عرش»

	مترجم	معنای عرش	ترجمه	ترجمه روایی	نقد و بررسی
۱	استادولی	—	آن خدای مهربان، که بر عرش [فرماندهی و تدبیر عالم] قرار دارد.	-	نیافتن معادل «عرش»/ اشاره به
۲	قرشی	—	او، رحمانی است که بر عرش تدبیر استقرار یافت.	-	معنای کنایی با آوردن افزوده
۳	جعفری	—	خداوند رحمان، بر عرش استوار است.	-	نیافتن معادل «عرش»، پندار جسمانیت
۴	خرمدل	تخت فرمانروا	خداوند مهربانی (قرآن را فروفرستاده) است که بر تخت سلطنت (مجموعه جهان هستی) قرار گرفته است (و قدرتش سراسر کائنات را احاطه کرده است).	-	اشاره به معنای کنایی با آوردن افزوده
۵	حدادعادل	—	همان خدای رحمان، که بر عرش برنشسته است.	-	نیافتن معادل «عرش»/ پندار جسمانیت
۶	فرهنگ و معارف	تخت	همان [خدای] رحمان، که بر تخت [اقتدار] قرار دارد.	-	اشاره به معنای کنایی با آوردن افزوده

۷	مشکینی	تخت	خدای رحمان، بر تخت (مالکیت و حاکمیت بر اجزاء عالم هستی) قرار گرفته است.	-	اشاره به معنای کنایی با آوردن افزوده
۸	ملکی	مقام فرمانروایی	یعنی خدای رحمان، که بر مقام فرمانروایی جهان تکیه زده است.	-	آوردن تعبیر کنایی معادل

۹-۳- استوای بر عرش

در شماری از ترجمه‌ها، برای استوای بر عرش معادل فارسی یا عربی استفاده نشده و تعبیر قرآنی در ترجمه آورده شده است. در این موارد، ممکن است مترجم از باورمندان به متشابه بودن آیه و نامعلوم بودن مفهوم آن باشد؛ در غیر این صورت لازم است به مفهوم کنایی در ترجمه اشاره کند.

جدول ۵- ترجمه‌های مبتنی بر مفهوم «استوای بر عرش»

	مترجم	معنای عرش	ترجمه	نقد و بررسی
۱	عتیق نیشابوری	—	خدای مهربان، استوی کرد بر عرش [بی چون و بی چگونه].	از افزوده ترجمه، معلوم می‌شود از نگاه مترجم، این آیه از متشابهاست.
۲	اسفرائینی	—	آن خدای که بر عرش مستوی است؛ یعنی قادر است آن را.	بر اساس افزوده ترجمه، مترجم این تعبیر را کنایه از قدرت خداوند می‌داند.
۳	میبیدی	—	رحمان بر عرش مستوی شد.	-

۹-۴- پرداختن به عرش

استوی بر عرش در ترجمه آقای معزی، به «پرداختن به عرش» ترجمه شده است. این ترجمه با «استوی علی» مناسبت ندارد؛ بلکه با «استوی الی» سازگاری دارد. از این رو ترجمه مناسبی به شمار نمی‌آید.

نتیجه‌گیری

مترجمان فارسی قرآن، با وجود در نظر داشتن تلاش‌های علمی قرآن‌پژوهان و نیز ظرفیت‌های زبانی، معادل مناسب برای برخی واژه‌های پیچیده و مورد اختلاف را نیافته‌اند. به همین دلیل، این واژه‌ها را بدون معادل در متن ترجمه آورده‌اند. بر اساس پژوهش حاضر، در روایات تفسیری، ظرفیت بالایی برای ارائه ترجمان مناسب و متنوع، از آیات دشوار و واژگان پیچیده وجود دارد. این پژوهش، برای نشان دادن ظرفیت روایات تفسیری در ترجمه آیات دشوار، به صورت موردی آیه پنجم سوره طه را بررسی کرده که مهمترین نتایج آن عبارت‌اند از:

۱. روایات تفسیری، با برطرف نمودن چالش‌های ترجمه آیات قرآن، نظیر تشخیص نقش نحوی واژگان، ارائه معادل‌های معنایی مناسب برای مفردات و ترکیب‌ها، زمینه ارائه ترجمانی روشن از آیات دارای مفاهیم پیچیده و مورد اختلاف را برای مترجم فراهم می‌آورند.

۲. از جمله ظرفیت‌های موجود در روایات تفسیری برای امر ترجمه، آسان‌سازی معارف دشوار در کلمات ائمه علیهم‌السلام است که در توضیح آیات دشوار برای مخاطبان عمومی بیان شده است. مترجم می‌تواند ترجمه خود را با تکیه بر دیدگاه معصوم علیه‌السلام از این روایات برگیرد که غالباً در پاسخ به پرسش مخاطبان عام از محتوای چنین آیاتی بیان شده‌اند.

۳. معادل‌هایی که در روایات برای مفردات قرآنی ارائه شده، با گوهر معنایی واژه سازگار هستند. برخی از معانی مطرح شده در روایات از قبیل معنای حقیقی و برخی از قبیل معنای مجازی هستند.

۴. بیشتر ترجمه‌های فارسی موجود از آیه پنجم سوره طه، متکی بر آراء مفسران و بر اساس یک ترکیب نحوی خاص صورت گرفته‌اند. درحالی‌که در روایات، برای تبیین مراد این آیه، به تحلیل‌های ادبی گوناگون توجه شده است. همین امر، موجب پیدایش تنوع در ترجمه‌های مبتنی بر روایات تفسیری از این آیه شده است.

۵. بررسی نزدیک به سی ترجمه فارسی قرآن کریم از آیه پنجم سوره طه، نشان می‌دهد تنها چهار مترجم، برای ترجمه «عرش» از روایت استفاده کرده‌اند و فقط یک مترجم، برای ترجمه «استوای بر عرش» به روایت استناد نموده است. از این رو، مترجمان فارسی، کمتر از ظرفیت موجود در روایات، برای ترجمه‌های خود بهره گرفته‌اند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، قم: مكتب الاعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزة.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۰ق). المحاسن، تحقیق: سید جلال الدین حسینی، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۴. بیات مختاری، مهدی (۱۳۹۰). «عرش خدا و تفاوت آن با کرسی»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۱۶، صص ۵۳-۸۳. DOI:10.22051/tqh.2011.3360
۵. ثعالبی، عبدالملک بن محمد (۱۴۱۴ق). فقه اللغة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۶. جمالی، رضا؛ مؤذنی، حمید (۱۴۰۲). «واکاوی روایت خواجه اباصلت از امام رضا علیه السلام مبنی بر عدم جسمانیت عرش خداوند»، فرهنگ رضوی، شماره ۴۲، صص ۸۱-۵۵. DOI:10.22034/farzv.2022.345250.1770
۷. جزائری، سید نعمت الله (۱۴۱۷ق). نور البراهین، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۹. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶ق). البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة.
۱۰. زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۶۰). اساس البلاغة، قاهره: دار الشعب.
۱۲. _____ (۱۳۸۵ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، مصر: مطبعة مصطفى البابي.
۱۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۴. شوکانی، محمد علی (۱۴۱۴ق). فتح القدیر، بیروت: دار ابن کثیر.
۱۵. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۹۵ق). الملل والنحل، تحقیق: محمد سید کیلانی، بیروت: دار المعرفة.
۱۶. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۴ق). الإعتقادات فی دین الإمامیة، تحقیق: عصام عبد السید، بیروت: دار المفید.
۱۷. _____ (۱۳۹۸ق). التوحید، تصحیح: سید هاشم حسینی طهرانی، قم: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة.
۱۸. _____ (۱۴۰۳ق). الخصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة.
۱۹. _____ (۱۳۷۹ق). معانی الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶ق). الاحتجاج، تحقیق: سید محمد باقر خراسان، نجف: دار النعمان.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جماعة المدرسين.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم: دار الهجرة.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: دار الهجرة.

۲۴. قمی، سعید بن محمد (۱۴۱۵ق). شرح توحید صدوق، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق). تصحیح اعتقادات الإمامیة، تحقیق: حسین درگاهی، بیروت: دار المفید.
۲۸. نائینی، محمد بن حیدر (۱۴۲۴ق). الحاشیه علی اصول الکافی، تحقیق: محمد حسین درایتی، قم: دار الحدیث.